ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۱ شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

برنامه‌ریزی راهبردی به منظور توانمندسازی محلات غیررسمی

مورد پژوهش: محله شادقلی‌خان در شهر قم

افشین سفاهن

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور تهران

معصومه عسگری گرجی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری گرایش برنامه ریزی مسکن

چکیده

حاشیه نشینی و یا به تعبیر امروزی اسکان غیررسمی، پیامد شهرنشینی سریع و انتقال به پارادایم اقتصادی اجتماعی صنعتی شدن است که شهرنشینی، شکل فضایی غالب و موازی انتقال اجتماعی اقتصادی این پارادایم است. این پدیده در دهه‌های اخیر با پیدایش جامعه اطلاعاتی همچنان گسترش یافته و گویی تعهدی برای بقا و باز تولید آن وجود دارد. از دهه ۱۹۸۰ راهبردهای توانمندسازی و بهسازی با ابتکار عمل بانک جهانی به منظور ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، افراد ساکن در این نوع سکونتگاه‌ها را به عنوان معضل، بلکه به عنوان دارایی می‌نگرد و ارتقای وضعیت اجتماعی- اقتصادی آنها را با نقش تسهیل‌گر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر نماید.

تدوین استراتژی مناسب برای توانمندسازی محله حاشیه‌نشین شادقلی خان شهر قم در ارتباط با شاخص‌های کالبدی- زیست محیطی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و مدیریت شهری برای برقراری عدالت اجتماعی در بین ساکنین شهر هدفی است که مقاله حاضر به دنبال آن می‌باشد. در این پژوهش سعی شد در چارچوب برنامه‌ریزی استراتژیک، عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدیدات محلات شناسایی و با تحلیل آن در قالب تکنیک SWOT، مناسب‌ترین استراتژی برای توانمندسازی محلات با بهره‌گیری از مدل QSPM، توأم با برنامه‌های اقدامی توانمندسازی معرفی گردد. روش مطالعه، توصیفی و تحلیلی بوده و اطلاعات موردنیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. تشکیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر توانمندسازی محلات و تحلیل آن‌ها در تکنیک SWOT، نشان داد که با توجه به وضع موجود محله مورد مطالعه استفاده از راهکارهای محافظه کارانه جهت توانمندسازی آ در اولویت اول قرار دارد.

واژگان کلیدی: محله، حاشیه نشینی، توانمندسازی، برنامه ریزی راهبردی، محله شادقلی خان

مقدمه

جمعیت جهان به‌طور روزافزونی به سوی شهری شدن‌گام برمی‌دارد به‌طوری که از سال ۲۰۰۸ به بعد نصف جمعیت جهان در نواحی شهری زندگی می‌کنند(Wong & Yuen,2011: 5) این در حالیست که این روند، سهم برابری میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را شامل نشده و تقریبا نزدیک به ۹۰درصد این جمعیت (جمعیت رو به گسترش شهرنشین) به مناطق شهری کشورهای در حال توسعه تعلق دارد(Davis,2010: 4). در این میان شهرهای آسیا و آفریقا با رشد۲/۴درصدی بیشترین رشد را تجربه می‌کنند بنابراین با افزایش جمعیت جهان بویژه در دو قرن اخیر، جمعیت شهرنشین نیز رو به افزایش گذاشته است که کشورهای در حال توسعه سهم بسیار بیشتری از این رشد را از آن خود کرده اند و همین شهرنشینی سریع و بی قاعده مشکلات فراوانی را برای این شهرها و ساکنان آنها بهمراه داشته است.

متاسفانه طی چنددهه اخیر رشد جمعیت و گسترش کالبدی نقاط شهری کوچک و بزرگ متناسب با روند تأمین مسکن و خدمات پایه به ویژه برای گروه‌های کم درآمد نبوده و نظام برنامه‌ریزی نتوانسته به تقاضای این گروه‌ها به تناسب با توان مائی آنها پاسخ دهد. لذا گروه‌های بیشتری از مشمول نظام رسمی برنامه‌ریزی خارج می‌شوند و این شکاف موجب شکلگیری پدیده‌ای به نام فقر شهری شده است. رشد آبادی‌های پیرامون شهرهای بزرگ و متوسط بر اثر مهاجرت مازاد نیروی کار، تفکیک‌های غیررسمی زمین و ساخت و سازهای غیر مجاز را شدت بخشیده و به تدریج زمینه شکلگیری سکونتگاه‌های غیر رسمی را فراهم آورده است که بازتاب کالبدی آن در قطعه‌بندی‌های کوچک زمین و مسکن، شبکه معابر نابسامان، کمبود با نبود خدمات پایه در این سکونتگاه‌ها جلوه گر می‌شود(Martinez,2008: 4). بخش عمده این سکونتگاه‌ها برای اراضی ناپایدار از قبیل گل‌ها، مسیل‌ها، حریم دکل‌های برق فشار قوی، راه آهن و در مجاورت انواع آلاینده‌های زیست محیطی با بستر آلوده، به صورت سریع و خارج از برنامه‌ریزی رسمی شهرسازی و بدون رعایت استانداردهای ساختمانی به وجود آمده و شکل گرفته‌اند (فتح زاده و زاهد زاهدانی، ۱۳۹۴: ۵). شهر نشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک، ویژگی عصر حاضر است که شرایط خاصی را در ارتباط با کاربری‌های مسکونی و تأمین مسکن برای ساکنین شهر أیجاد کرده است .چنین شرایطی باعث شده تا توسعه پایدار، هدف و راهبرد اصلی برنامه‌های توسعه کشورها در هزاره سوم تمدن انسانی قرار گیرد؛ لذا توسعه پایدار این شهرها در گرو داشتن برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد می‌باشد.

بیان مساله

در پی انقلاب صنعتی، رشد لجام گسیخته شهرها اتفاق افتاد. با صنعتی شدن شهرها و فراهم بودن زمینه‌های اشتغال در شهرهای بزرگ در همه جا، جمعیت از مناطق روستایی کنده شده و در مناطق شهری اسکان می‌یابند. در حرکت سریع جمعیت روستایی به شهرها که با فقر اقتصادی مهاجران توأم بوده (عابدین در کورش، ۱۳۸۶: ۱۴۸)، همه مهاجران قادر به سکنی‌گزینی در محدوده قانونی شهر نبودند لذا مکان‌هایی را متناسب با درآمد خود انتخاب می‌کردند که دارای پایین‌ترین سطح استاندارد از لحاظ زندگی بودند. پیامد چنین روندی، شکلگیری اسکان غیررسمی و شرایط نامطلوب محل زندگی است.

با توجه به اینکه حاشیه‌نشینی شهری، یکی از بزرگترین معضلات شهری است لذا تاکنون روش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی مانند خانه‌سازی، پاکسازی زاغه‌ها و آلونک‌ها و گودهای مسکونی به منظور حل مسائل و مشکلات ناشی از حاشیه نشینی ارائه شده

است که با شکست مواجه شده‌اند بنابراین راهبرد توانمندسازی به منظور تقلیل نابرابری‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و ... امروزه در ادبیات ساماندهی اسکان غیررسمی در دنیا جایگاه بالایی دارد (Khanh & Le,2011:7). توانمندسازی، زمینه‌سازی برای ارتقای شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به کارگیری ظرفیت‌های موجود است. لذا در گذر زمان و با شکست رویکردهای گذشته به چاره جوبی برای سکونتگاه های غیر رسمی، در رویکردهای نوین توانمندسازی ، تأکید زیادی بر تقویت سرمایه اجتماعی شده است (مشیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶). از این رو توانمندسازی از طریق سرمایه اجتماعی سبب ایجاد قابلیت در افراد و گروه‌های ناتوان برای مشارکت فعال و آگاهانه در تأمین رفاه فردی و اجتماعی می‌شود (اسدی محل‌چالی، ۱۳۹۴: ۴). از آنجایی که اساس موفقیت در توانمندسازی تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های درونی و پتانسیل‌های مکان در ابعاد مختلف است لذا استفاده از شیوه مشارکت در توانمندسازی این نوع از سکونتگاه‌ها عملا مردم را در فرآیند طراحی، بهره‌برداری و اجرا درگیر خواهد کرد.

توسعه شهرنشینی مهمترین تحولات اجتماعی ایران در نیم قرن اخیر بوده است. با کاهش ۴۲.۷درصدی سهم جمعیت روستایی از جمعیت کشور در طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۳۵ و افزایش نسبت شهرنشینی از ۳۱,۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۱۲). علاوه بر ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی، نابسامانی‌های کالبدی- زیست محیطی، نارسایی‌هایی در توزیع امکانات اقتصادی، زمینه را برای توسعه و گسترش محلات حاشیه نشین در کلان شهرهای کشور فراهم نموده است (حیدری نوشهری، ۱۳۹۰: ۳۱). سکونتگاه‌های غیررسمی با ویژگی‌های مختلف اجتماعی از قبیل پایین بودن سطح سواد، سهم بالای مهاجرین روستایی ساکن در محله، فقدان مالکیت رسمی ژمین (داداش پور و علیزاده، ۱۳۹۰: ۳۶)، ویژگی‌های اقتصادی مثل پایین بودن درآمد خانوار و وابستگی شدید به مشاغل ناپایدار؛ ویژگی‌های کالبدی زیست محیطی از قبیل توسعه بدون برنامه‌ریزی، مکان‌گزینی اغلب این سکونتگاه‌ها در لبه شهری و بر روی اراضی با شیب تند و ناهموار، بی اعتمادی به تصمیمات مدیریت شهری و نارضایتی از عملکرد شهرداری و مدیریت شهری (شریفی نیا، ۱۳۹۰: ۱۳۰) به مهمترین چالش مدیریت شهری در کلان شهرهای کشور تبدیل شده که نیازمند اتخاذ رویکرد نوین و جامع در برخورد با موضوع چندبعدی و پیچیده حاشیه‌نشینی می‌باشد.

مطالعات انجام گرفته شده در کشور نشان می‌دهد که در ایران ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته توسعه و گسترش صنایع مونتاژ، مهمترین عامل در شکلگیری حاشیه نشینی در کلان شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، شیراز، اهواز، کرج و تبریز بوده که عمدتا از سال ۱۳۲۰ شروع و از سال ۱۳۴۱ به بعد با اجرای اصلاحات اراضی رشد بیشتری یافت. غالب بودن مهاجرین روستایی و عشایری ساکن در محلات حاشیه نشین، پایین بودن درآمد خانوارها، عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در مسکن به دلیل تصرف غیرقانونی، تظاهر بیشتر ناهنجاری‌های کالبدی محلات حاشیه نشین، مهمترین وجه تمایز محلات حاشیه نشین از سایر محلات شهری می‌باشد (ربانی و وارثی، ۱۳۸۸: ۹۳).

در شهر قم نیز تعداد این اجتماعات کم نیست. از آنجایی‌که اکثر تازه‌واردان به این شهر از اقشار کم درآمد، به‌ویژه مهاجران با منشأ روستایی فقیر هستند و برای تهیه مسکن از نخستین مرحله؛ یعنی انتخاب محل سکونت تا انتخاب وسعت و اندازه مسکن خود، نوع مصالح ساختمانی و کسب پروانه ساخت و ساز با مشکل مواجهند؛ چاره‌ای جز روی آوردن به سکونتگاه‌های غیررسمی و غیراستاندارد ندارند. محله شادقلی‌خان یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر قم است که توسعه بدون ضابطه و عدم نظارت فنی بر ساخت و ساز، باعث پدیدار شدن محیطی مغایر با اصول اولیه برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در این محله شده است. به همین علت، ضرورت دارد به مهمترین عوامل پدید آورنده اسکان غیررسمی در محله شادقلی‌خان پرداخته و چگونگی تأثیرگذاری هر یک از عوامل مشخص گردد تا با شناسایی و تحلیل این عوامل بتوان به پی‌جویی رهیافت‌های برونرفت از گسترش اسکان غیررسمی در این محله اقدام نموده و به برنامه‌ریزی و ساماندهی آن پرداخته شود.

برنامه ریزی با رویکرد راهبردی و استراتژیک به عنوان رویکرد اصلی در این پژوهش استفاده خواهد شد تا بتوان با تکیه بر آن بتونا با شناخت وضع موجود محدوده و تبیین عوامل داخلی و خارجی باقدام به برنامه ریزی مناسب در جهت توانمندسازی این محله نمود.

روش شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ روش شناسی از نوع توصیفی تحلیلی است و با توجه به هدف خود که برنامه‌ریزی راهبردی برای توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی است در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. نوشتار حاضر که در ابتدا با مرور برخی از مبانی مرتبط و همچنین مراجعه به مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، شالوده تحلیل و ارزیابی وضعیت موجود را در سطح شهر قدس رقم می‌زند، در زمره مطالعات کتابخانه‌ای اسنادی طبقه بندی می‌گردد؛ اما از آنجا که در بخش مطالعات، از تکنیک SWOT به منظور تحلیل و همچنین ارزیابی بهره خواهد برد، در زمره مطالعات تحلیلی از نوع راهبردی طبقه‌بندی می‌گردد.

پیشینه پژوهش

مطالعات و تحقیقات داخلی و خارجی متعددی در زمینه حاشیه‌نشینی و توانمندسازی حاشیه‌نشینان صورت گرفته که در بین آنها به برخی از پژوهش‌ها به شرح زیر بیان می‌شود:

مطالعات خارجی

اون و وانگ(۲۰۱۳) در پژوهشی به ارزیابی وضعیت کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌پردازند. در این پژوهش از ۲۴ شاخص استفاده گردیده است. مورگان (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «سهم سازمان‌های دولتی در بنگلادش در توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جامعه که به بررسی سازمان‌های دولتی به خصوص آموزش و پرورش پرداخت و به این نتیجه رسید که ظرفیت سازمان‌های غیردولتی برای توسعه سرمایه اجتماعی و توامندسازی به دلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور محدود است. کاسینو و همکاران(۲۰۱۱)، در مقاله ای با عنوان ویژگی های اجتماعی- اقتصادی- جمعیتی و مداخله روش‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی"، اسکان غیررسمی به ویژه در بسیاری از شهرستان‌های کشورهای در حال توسعه را نتیجه شکست سیاست‌های عمومی برای بخش قابل توجهی از جمعیت فقرای شهری، قوانین ساخت و ساز و دخالت بخش خصوصی در مفاد مسکن می‌دانند.

مطالعات داخلی

از مهمترین منابع داخلی در خصوص محلات غیررسمی و توانمندسازی آنها می توان به کتاب دکتر رحیم سرور اشاره نمود که در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است که در این کتاب تلاش گردیده تا با انجام مطالعات گسترده و بررسی رویکردها، نظریات و دیدگاه های موجود در بحث ساماندهی، مهمترین اصول و مبانی توانمندسازی محلات برنامه های هدف نوسازی و بهسازی را تبیین نماید.

میرجانی(۱۳۹۷) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی تطبیقی سیاست‌های طرح‌های ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت توزیعی (نمونه موردی: برزیل، هند، تانزانیا، کلمبیا و ایران) به بررسی برنامه ملی مسکن امن تایلند، پروژه شبکه‌بندی زاغه‌ها در احمدآباد هند، پروژه ارتقای مشارکتی زاغه‌ها در مناطق الهالوس و البتینی در اسماعیلیه مصر، طرح عملیاتی شهرنگر برای ارتقای سکونتگاه‌های فاقد برنامه‌ریزی و خدمات در دارالسلام تانزانیا، برنامه بهبود یکپارچه محلات غیرقانونی در مِدِ لین کلمبیا و برنامه محلات زاغه‌ای در ریودوژانیرو برزیل بوده که در کنار دو پروژه مطرح ایران مورد بررسی تطبیقی موردمحور قرار گرفته و میزان توجه آنها در قالب توجه کامل، توجه نسبی و توجه ضعیف یا عدم توجه نسبت به مؤلفه‌ها و معیارهای عدالت توزیعی مورد بررسی قرار گرفته می‌شود. در آخر نیز در قسمت نتیجه‌گیری دلایل موفقیت طرح‌های مطرح خارجی مورد بررسی قرار گرفته و همچنین دلایل عدم موفقیت طرح‌های ایران بیان شده و در راستای بهبود

آن پیشنهادهایی ارائه می‌شود که تماما در راستای بهبود ساز و کار عدالت توزیعی در طرح‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران است.

حیدری و لطفی(۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی در شهر زنجان(مطالعه موردی: محلّه اسلام آباد) به شناخت شرایط و ویژگی‌های ساکنین و محلّه مورد مطالعه به منظور کاهش آسیب‌های کالبدی و اجتماعی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علی رغم پایین بودن نرخ رشد جمعیت در این محلّه نسبت به شهر زنجان تراکم جمعیت بالا بوده و در نتیجه به کاهش سطح سرانه مسکونی منجر شده است. همچنین نتایج حاصل از پژوهش حاکی از پایین بودن سطح استاندارد شاخص‌های اجتماعی و کالبدی، به خصوص شاخص مسکن در محلّه اسلام آباد نسبت به شهر زنجان می‌باشد.

فتح زاده و زاهد زاهدانی(۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان برنامه‌ریزی راهبردی، به‌منظور توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین (محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره سی تبریز) به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی مهمترین عامل در توانمندسازی محلات می‌باشد. در بین ابعاد موردبررسی محلات، بعد قوت با مجموع امتیاز وزنی ۳/۴۵ و ضعف با ۳/۳۰، تهدیدات با ۲/۸۰ و فرصت با ۲/۲۷ مهم‌ترین عوامل در توانمندسازی محلات و استراتژی‌های رقابتی و تهاجمی با اختصاص دادن ۱۴/۶ از کل نمره عوامل (۴۸) و با میانگین امتیاز ۲/۹، مناسب‌ترین استراتژی برای توانمندسازی محلات می‌باشد. استفاده از توان بالای مشارکتی ساکنان محلات در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در راستای سامان‌دهی بافت‌های فرسوده و بهسازی محلات با نمره ۳/۳، اجرای مانورهای بلایای طبیعی با رویکرد آگاه‌سازی ساکنین محله با نمره ۲/۸ و رعایت اصول فنی و مهندسی در ساخت‌وساز واحدهای مسکونی و نظارت دقیق مهندسان ناظر با نمره ۲/۳، مهم‌ترین برنامه‌های اقدامی توانمندسازی محلات شناخته شد.

حسینی خواه و دیگران(۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توانمندسازی محلات شهری مطالعه موردی: محله اکبرآباد یزد به این نتیجه دست یافتند که بین سرانه‌ی کاربری‌ها در وضع موجود با سرانه‌ی استاندارد در مقیاس محله‌ای اختلاف وجود دارد و هم‌چنین محله اکبرآباد با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبرو است که از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به وضعیت نامناسب و در حال تخریب کاربری‌ها، نفوذناپذیری کوچه‌ها و معابر، از بین رفتن هویت محله‌ای و غیره اشاره کرد. در پایان برای ارتقای سطح کیفی محله، با توجه به کمبود بعضی کاربری‌ها در سطح محله و با توجه به سرانه‌ی استاندارد جهانی، کاربری‌هایی پیشنهاد و هم‌چنین راه‌کارهایی ارائه شد.

مبانی نظری پژوهش

حاشیه نشینی به نوعی شیوه زندگی اطلاق می شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی، عشایری متفاوت بوده و با ویژگی های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می آورد . حاشیه نشینی ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت شهری در جهان سوم است که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و بر پایه قواعد و اصول های خاص خود به دست ساکنان این گونه مکان های ساخته شده است. حاشیه نشینی شهری خانوارها و افرادی را شامل می شود که در محدوده اقتصادی و اجتماعی شهر ساکن شده اند، ولی جذب اقتصاد و اجتماعی شهری نشده اند و در حاشیه فعالیت های زندگی مردم شهرنشین قرار دارند حاشیه نشین به کسی گفته می شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی شهر شده و از خدمات شهری استفاده نماید(درکوش، ۱۳۸۷: ۳۶).

در ارتباط با علت‌یابی و شناخت زمینه‌های ایجاد اسکان غیررسمی و همچنین، نحوه برخورد با سکونتگاه‌های غیررسمی، نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است. این نظریه‌ها، اگر چه تا حد زیادی ناشی از وجوه مختلف اسکان غیررسمی هستند، اما گرایش صاحبنظران به دیدگاه‌ها و مکتب‌های فکری گوناگون، سهم مهمی در این امر دارد. اندیشمندان مکتب جامعه‌گرا، پیدایش گروه‌های فقیر و حاشیه‌ای در جامعه شهری کشورهای در حال توسعه را ناشی از عملکرد طبیعی تضاد کار و سرمایه

دانسته‌اند و نتیجه این عملکرد انباشت سرمایه در شهر، رشد نامتعادل اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی بین شهر و روستاست(فتح زاده و زاهد زاهدانی، ۱۳۹۴: ۴). اندیشمندان مکتب لیبرال بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی اسکان غیررسمی تأکید دارند. آنان اعتقاد دارند که تراکم شدید جمعیت، عامل اصلی فقر و عقب ماندگی در کشورهای در حال توسعه است و افزایش جمعیت، هر گونه کوشش برای بهبود سطح زندگی، مسکن، اشتغال، در آمد و محو پدیده فقر و اسکان غیررسمی در این کشورها را بی نتیجه می‌گذارد. مارکسیست‌ها اعتقاد دارند، فقرا که از روستاها به شهرها مهاجرت می‌کنند، چون نمی‌توانند در اقتصاد شهر جذب شوند، به علت کمبود درآمد و نداشتن شغل مناسب مجبورند در مساکن ناسالم در حاشیه شهر زندگی کنند و این شرایط برای آنان گریزناپذیر است. پل میدوز معتقد است که در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، اسکان غیررسمی وجود دارد و چون این شهرها با حجم عظیم مهاجران روستایی روبه رو هستند، به عنوان یک متوقف کننده در مورد آنها عمل می‌کنند. بعضی از مهاجران می‌توانند از دروازه طلایی شهر عبور کند و خود را با شهر تطبیق دهند، اما بعضی به علت کمبود در آمد، گرانی مسکن و اجاره مسکن بالا نمی‌توانند خود را با شهر تطبیق دهند و در نتیجه، پشت دروازه‌های شهر به صورت غیررسمی اسکان پیدا می‌کنند (حسینی خواه و دیگران،۱۳۹۴: ۵). ویلیام مانگین نیز اعتقاد دارد که عامل شکلگیری اسکان غیررسمی، مهاجرت روستاییان به شهر است. روستاییان به علت نبود امکانات و فرصت‌های شغلی به شهر مهاجرت می‌کنند، اما در شهر به علت مشکلات مسکن، در آمد و بیکاری، نمی‌توانند خود را با شهر تطبیق دهند و در نتیجه به حاشیه شهر رانده می‌شوند. در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت: مهمترین عاملی که در رابطه با شکلگیری اسکان غیررسمی مدنظر اکثر صاحبنظران است، مهاجرت از محیط‌های کوچک شهری و روستایی و ایجاد اسکان غیررسمی در شهرهاست. بر این اساس، شکل ۱ مدل نظری پژوهش را نشان می دهد.

شکل ۱. فرایند شکلگیری محلات غیررسمی

در زمینه برخورد با این محلات دیدگاه‌های بسیار زیادی مطرح گردیده است که از مهمتریت آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در دیدگاه موافقان حاشیه نشینی وسیله توسعه شهر است اینان می گویند همان طور که مناطق حاشیه نشین برای حفظ تعالی خود به شهرها نیاز دارند شهرها نیز برای رشد و توسعه خود به این مناطق محتاجند.

درد دیدگاه خنثی و منفعل مسئولان و مدیران شهری پدیده را نادیده می‌انگارند. این رهیافت که با نگرش لیبرالی و تشابه‌سازی تاریخی با مراحل توسعه‌ای جوامع توسعه یافته، حاشیه نشینی را پدیده‌ای گذرا و میرنده تلقی می‌کند از این رو خواهان رهاسازی آن به ساز و کارهای بازار است و انتظار دارد که با گذر زمان و دست یافتن به توسعه، دیگر حاشیه نشینی و

اسکان غیررسمی وجود نداشته باشد. خطای این نگرش در تشابه‌سازی تاریخی برای کشورهای جنوب با توجه به استمرار و گسترش این پدیده مشهود است.

دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز که به دیدگاه بولدوزر معروف می اشد. روشی کاملا فیزیکی است. سعی در ریشه‌کن کردن اجتماعات حاشیه نشین دارد. این رهیافت در واقع صورت مساله را پاک کرده و به جابجایی جغرافیایی مسائل باقی مانده توجه ندارد.

دیدگاه بنیادگرا با نگرشی رادیکال در پی چاره‌های اساسی یا تغییر در ساختارهای جامعه است. تصور بر این است تا نظام کلان اصلاح نشود، نظام‌های خرد قابل اصلاح نیستند و در واقع درگیر بهبود وضعیت اجتماعات ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی نشده و به سازماندهی اجتماعی برای جنبش‌های سیاسی تکیه می‌کند و از این رو باز هم مانند رهیافت اول، آن‌ها را به حال خود رها کرده تا زمانی که ساز و کارهای فقرزا و ناعادلانه جامعه نابود شوند(صرافی، ۱۳۸۰: ۲۷۰).

در اواخر دهه ۱۹۸۰ راهبرد توانمندسازی با تأکید بر محتوای اصلی این سکونتگاه‌ها که انسان و فعالیت‌های او است مطرح گردید. طرح راهبرد توانمندسازی و پذیرش آن در نشست سازمان ملل متحد، انقلاب بزرگی در مطالعات حاشیه نشینی و پارادایم‌های مربوطه به مطالعات شهری بود (کریتزمن، ۱۹۹۷: ۳۲۱). راهبرد توانمندسازی مناسب‌ترین راه حل در ساماندهی حاشیه نشینی است که به دنبال بهبود شرایط زندگی جوامع فقیر می‌باشد و به مردم این فرصت را می‌دهد که محل زندگی خود را با توجه به نیازهایشان بهبود بخشند (قرخلو و میره، ۱۳۸۶: ۱۱۷) بدین ترتیب راهبرد توانمندسازی در کنار ارتقای کالبدی-زیست محیطی، توجه خاصی به جنبه‌های انسانی سکونتگاه‌های غیررسمی دارد و با تأکید بیشتر بر رفع ناتوانایی‌ها و کم توانایی‌های افراد در ابعاد ذهنی و جسمی به دنبال بسط توانایی‌های فقرا برای مشارکت"، "مذاکره"، "تأثیر"، "کنترل" و "مسئولیت پذیری" نهادهایی است که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارند.

مقایسه رویکرد و اصول توانمندسازی با رویکردهای قبلی مرتبط با موضوع حاشیه‌نشینی بیانگر این دانست که رویکرد توانمندسازی میانی پارادایمی متفاوتی را از بعد معرفت شناسی، هستی شناسی و روش‌شناسی در برخورد با موضوع حاشیه‌نشینی ارائه می‌نماید. دلیل این امر داشتن جهت‌گیری معین دیدگاه خاص و ایدئولوژی مشخصی است که طرفداران توانمندسازی بدان تأکید دارند. استفاده از رویکرد سیستمی، دخیل دادن شاخص‌های کالبدی-زیست محیطی، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و مدیریت شهری در برقراری عدالت اجتماعی، تأکید بر مشارکت ساکنین محلات در تصمیم گیری‌های محله، تدوین سیاست‌های مبتنی بر کاهش نابرابری در دسترسی به خدمات شهری، اتخاذ رویکرد انسان مدارانه در حل مسائل و مشکلات محلات حاشیه‌نشین باعث شده که از رویکرد فوق به عنوان واکنشی علیه رویکردها و پارادایم‌های تک بعدی در مطالعات حاشیه نشینی یاد برده شود. (رفیعی،۱۳۸۸: ۵).

در اجرای این سیاست، پس از تعیین محلات اولویت دار، مشخصات مسکونی و محیط مسکونی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانوارهای ساکن، ویژگی های جغرافیایی محیط مسکونی به تفکیک مشخصه های کمی و کیفی واحدهای مسکونی ومحیط مسکونی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی ساکنین،ویژگی های جغرافیایی و ... بررسی می شود. قدم بعدی، تشریح طرح برای استفاده کنندگان است تا زمینه همکاری و مشارکت آنها فراهم گردد؛ زمانی که خانواده های درگیر در طرح و پروژه مربوط به محل سکونت خود شرکت داشته باشند، خود را موظف می دانند که از آن حمایت و آن را تقویت کنند. اجرای این سیاست کاربرد روش برنامه ریزی اجتماعات محلی[1] است که در آن برنامه‌ریز برای شرکت دادن مردم محلات در پیدا کردن راهی برای بیان نظرات و مشارکت آنها در رابطه با وضعیت فعلی و آینده محله خود تلاش می کند و به تشویق حس همکاری در اجتماعات و ایجاد مکان های جذاب با حس مکانی قوی می پردازد(شهیدی، ۱۳۸۹: ۹۹) در این فرآیند، نهاد برنامه ریزی با

[1] Community Planning

دعوت از افراد عادی برای مشارکت در توسعه اجتماعات محلی تلاش می کند(عبدی دانشپور،۱۳۸۷: ۳۳۹)؛ ضمن آنکه این امر با پذیرش شهروندی و حقوق آنان نیز همراه است.

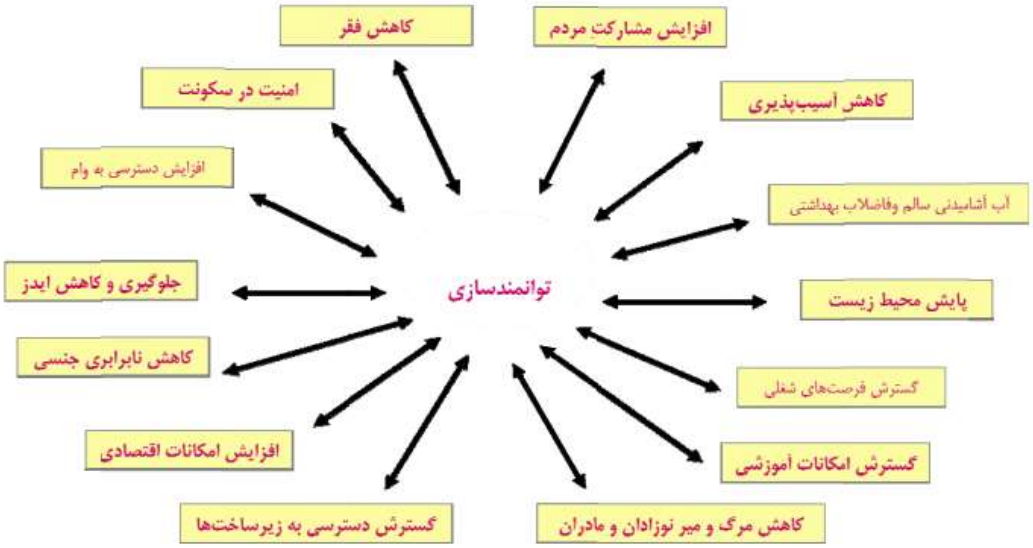

نمودار ۱. توانمندسازی و ابعاد مختلف آن(وزارت مسکن و شهرسازی،۱۳۸۷)

در توانمندسازی فقر، اگرچه توانمندسازی سیاسی، مدیریتی و ظرفیت سازی مشارکتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما توانمندسازی اقتصادی پایه اصلی را تشکیل می دهد که بر بهبود شرایط کاری و درآمدی مردمی در این زمینه گسستن زنجیره فقر، به کارگیری سرمایه اجتماعی، انسانی و ظرفیت سازی در تشکیل و گسترش آن در ارتباط با بهبود شرایط اقتصادی است. در توانمندسازی اجتماعات کم درآمد، رشد اقتصادی یک ضرورت است، اما توسعه نیست بلکه هدف تحول فرآیند منجر به توسعه است. توانمندسازی شیوهای برای ارتقاء شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به کارگیری ظرفیت موجود است. در حقیقت توانمندسازی برنامه حل مساله ای از درون بر پایه توسعه اجتماعات محلی است، به نحوی که الگوهایی از توسعه درون زای محلی شکل گرفته که می تواند به سایر اجتماعات تعمیم داده شود. در این الگو ظرفیت های محلی برای پاسخگویی به نیازهای اجتماع شکوفا می شود که در آن مشارکت به مثابه نکته کلیدی در جهت بهره گیری از توان جمعی نگریسته می شود. یکی از مسائل مهم و اساسی در برنامه ریزی توسعه اجتماع محلی درک نیاز و توانمندی هایی است که در سطح محل ضرورت اقدام را توجیه می کند یا به عبارتی ظرفیت جامعه محلی است که زمان و مکان اجرای راهبرد توسعه اقتصاد محلی را تعیین می کند. ظرفیت اجتماع محلی عبارت است از قابلیت و توانمندی اجتماع محلی برای شناخت، گسترش توانمندی انسانی، فرصت های اقتصادی، مناسبات اجتماعی و منابع اکولوژیک در راستای بهبود پایداری اجتماع (استعلاجی و حسین زاده، ۱۳۹۵: ۵).

در توانمندسازی فقرا، اگرچه توانمندسازی سیاسی، مدیریتی و ظرفیت سازی مشارکتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما توانمندسازی اقتصادی پایه اصلی را تشکیل می دهد که بر بهبود شرایط کاری و درآمد مردمی که غالبا در بخش غیررسمی شاغلند استوار است، در حقیقت در این زمینه گسستن زنجیره فقر، به کارگیری سرمایه اجتماعی، انسانی و ظرفیت سازی در تشکیل و گسترش آن در ارتباط با بهبود شرایط اقتصادی است. در توانمندسازی اجتماعات کم درآمد، رشد اقتصادی یک ضرورت است، اما رشدی که از درون و در برگیرنده و بهره مند کننده عادلانه جمع باشد. در واقع در این رهیافت هدف تحویل فرآیند توسعه نیست بلکه هدف تحول فرآیند منجر به توسعه است (صرافی، ۱۳۸۱:۱۰).

محدوده موردمطالعه

جمعیت شهر قم بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ تعداد ۱۲۰۱۱۵۸ نفر بوده است. هم اکنون این استان به عنوان تنها استان کشور می‌باشد که دارای ۱ شهر ستان است و نسبت شهرنشینی در ان بالای ۹۳درصد می‌باشد:

جدول ۱. جمعیت شهر قم طی سال‌های ۹۵-۱۳۳۵

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
جمعیت	۹۶۴۹۹	۱۲۴۲۸۲	۴۷۷۲۱۹	۵۴۳۱۳۹	۷۷۷۶۷۷	۹۵۷۴۵۷	۱۲۰۱۱۵۸

منبع: مرکز آمار ایران، رشماری نفوس و مشکن، ۹۵-۱۳۳۵

بر اساس نتایج بدست آمده از سازمان مسکن و شهرسازی استان، در حال حاضر ۱۷ محله با ویژگی‌های محلات غیررسمی در شهر قم می‌توان یافت که برخی از آنها حدود ۲ دهه است که در داخل حوزه خدماتی شهر واقع گردیده‌اند.یکی از ویژگی‌های مهم شهر قم غیربومی بودن ساکنین آن است به نحوی که در آخرین سرشماری بیش از ۵۵ درصد افراد ساکن را غیربومی‌های این شهر تشکیل می‌دادند. از مهمترین علل مهاجرت به این شهر می‌توان یه نقش مذهبی بسیار قوی این شهر اشاره نمود. نوع اقتصاد آن که به شک کارگری است و همچنین ضعف در خدمات رسانی به مهاجران نقش مهمی در شکلگیری محلات غیررسمی در این شهر داشته‌اند.

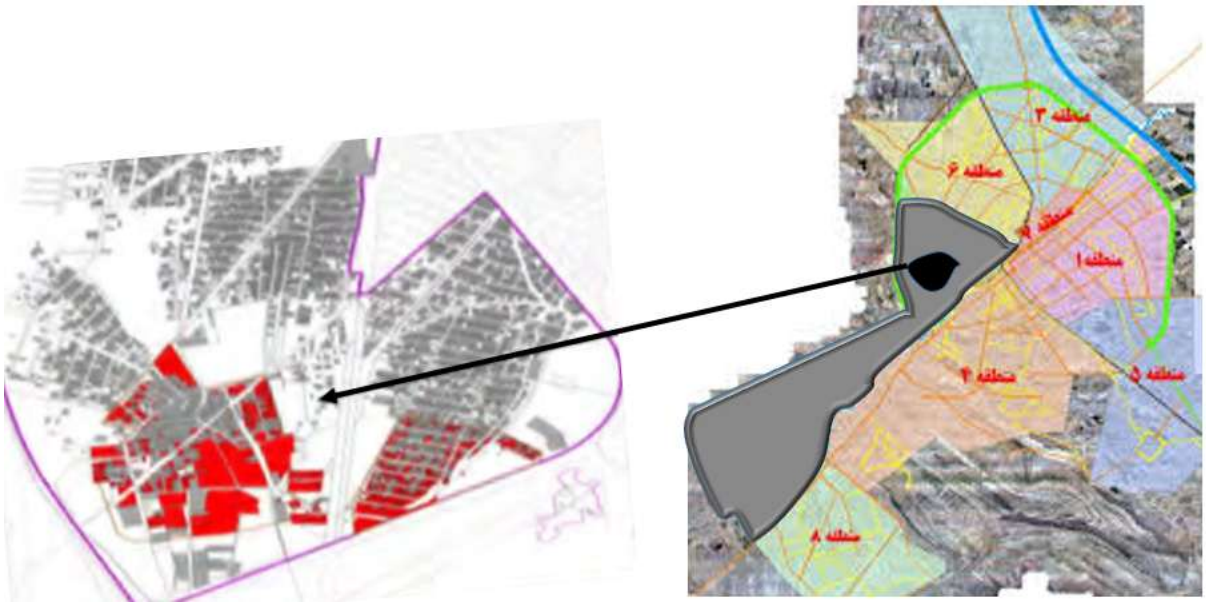

نقشه ۱. موقعیت قرارگیری محله شادقلی در منطقه ۲ شهر قم

شادقلی محلـــــه‌ای خاص در غرب شهر قم است که به عنوان یک روستا در محدوده شهرستان قم سابقه قدمت زیادی دارد و سابقه آن به حدی است که در کتاب تاریخ قم در قرن پنجم هجری به آن اشاره شده است.مردم این محله کوچ نشینان خلج هستند که میان قم و اراک در حال کوچ هستند و این روستا به عنوان مکان گرمسیر مورد استفاده قرار داده و در عین حال در آن به کشت غله و باغداری می‌پردازند.

این محله با مساحت ۷۷.۸ هکتار و جمعیتی برابر با ۸۰۰۰ نفر دارای تراکم ۷۰.۲ نفر در هکتار می‌باشد. یک دوره ساخت و ساز در پیرامون بافت روستایی شادقلی خان مربوط به سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ توسط مهاجران طایفه عشایری شاهسون صورت گرفته است که باعث ایجاد فرم خاصی از مسکن توأم با محل نگهداری دام در این محله شده است. این محله در مرحله اولیه رشد و تا پیش از سال ۱۳۷۰ در خارج از محدوده قانونی قرار داشته است که در سال ۱۳۷۰ در محدوده خدماتی شهر قرار می‌گیرد؛ اما پس از سال ۷۰ نیز خدمات توسط شهرداری به این محدوده ارائه نشده است (مهندسین مشاور طرح و

معماری، ۱۳۸۶). در سال‌های اخیر ساخت و ساز گسترده‌ای در شاد قلی خان وجود نداشته؛ اما بیش از ۵۰ ٪ ساکنان کنونی این محله از سال ۱۳۸۱ به بعد در آن سکنی گزیده‌اند. بافت جمعیتی این محله نسبتا همگون و بیشتر شامل اقوام آذری زبان و همدانی و بخشی نیز شامل قومیت های گوناگون است که از نقاط مختلف ایران به این محله مهاجرت کرده اند. مجاورت این محله با کمربندی شهر، گویای قرارگیری شادقلی خان در موقعیتی کاملا حاشیه‌ای و دور از شهر است

شادقلی در دشت واقع شده است و عارضه طبیعی خاصی مانند کوه، رودخانه و غیره ندارد، بنابراین از این نظر نیز قابل اعتنا نمی باشد. همین مساله امکان توسعه افقی را در حد کمال فراه نموده و این خود سبب پیوستگی بافت‌های اطراف به بافت مسکونی آن شده است. به جز چند مغازه بقالی، (به طور متفرق) تولیدات در و پنجره (اوایل ورود به شادقلی) و درمانگاه و مسجد، امکانات دیگری در این محله وجود ندارد ؛ البته در چند سال اخیر ساختمان مرکز مخابرات نیز در ابتدای آن به وجود آمده است و امکانات برق، آب لوله کشی گاز شهری و تلفن از حدود ۱۰۰ درصد تا ۸۰ درصد در خانه‌های آن موجود می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از مطالعات میدانی و بررسی آمار موجود مهمترین مشکلات محله شادقلی خان در شهر قم مطابق نمودار زیر می‌باشد:

ویژگی‌های محله شادقلی خان در شهر قم

مالکیت	ساخت سنی	امنیت شغلی	مهارت	اشتغال	سواد	امکانات	مصالح	موقعیت	متراژ خانه
بالا	جوان	پایین	پایین	غیررسمی	پایین	کم	آجر و تیرآهن	حاشیه	۱۰۱-۱۵۰

نمودار ۲. ویژگی‌های کلی محله شادقلی خان در شهر قم

از نظر تقسیم به زیرمحله نیز می‌توان به دو قسمت شمالی و جنوبی (بافت بیشتر قدیمی و جدید) تقسیم کرد. با توجه به حدود ۸۰۰۰ نفر جمعیت می‌توان آن را محل‌های بزرگ به حساب آورد که حوزه عملکرد آن از هر طرف، معمولا با استاندارد ۵۰۰متر می‌باشد. نیازهای هر محله شامل راه‌های ارتباطی مناسب، کودکستان، دبستان و مدرسه راهنمایی، فضای سبز، مراکز ورزشی در سطح محلات، تأسیسات بهداشتی و درمانی و تأسیسات زیر بنایی است که در شاد قلی موجود نیست. از طرف دیگر به تراکم بالای خانه‌ها در مرکز محله، زمین کافی برای این امکانات وجود ندارد. به علت مساحت کم شادقلی و همجواری با محلات دیگر، بسیاری از امکانات از محلات اطراف و نقاط دیگر شهر تأمین می‌شود.

با توجه به مطالعات صورت گرفته و همچنین مصاحبه و تکمیل پرسشنامه در محله می‌توان جدول سوات برای این محله را به شکل زیر ترسیم نمود:

جدول ۲. تحلیل SWOT محله شادقلی خان در شهر قم

عوامل داخلی	
قوت	**ضعف**
S۱: وجود روابط قومی و فرهنگی میان ساکنین محله S۲: وجود زمینه کار و فعالیت برای زنان در زمینه قالیبافی و ... S۳: نبود زاغه نشینی در سطح محله S۴: تمایل به سکونت در محله و حفظ مساکن خود S۵: تمایل ساکنین به ایجاد تغییرات و بهبود وضعیت محله	W۱: کمبود امکانات بهداشتی و درمانی در محدوده محله و نیاز به مراجعه به سایر محلات و مناطق شهری W۲: نورپردازی ضعیف محله و امکان بروز انواع جرائم و تخلفات در سطح محله W۳: کمبود اشتغال در محله(بیش از ۵۰ درصد افراد فاقد شغل می‌باشند) W۴: درآمد پایین ساکنین محله(عمده افراد درامد خود را کمتر از ۶۰۰ هزارتومان اعلام کرده‌اند) W۵: کمبود امکانات تفریحی در سطح محله شامل پارک کودکان، پارک بانوان، زمین‌های بازی و ... W۶: مشکلات حقوقی مربوط به مالکیت و ... W۷: نمای نامناسب مساکن شهری W۷: تراکم بالای جمعیت و سرانه پایی مسکونی
عوامل خارجی	
فرصت	**تهدید**
O۱: حضور افراد با سابقه بالای سکونت در محله شادقلی(بخش عمده ای از ساکنان بیش از ۳۰ سال سکونت دارند) O۲: قرارگیری در مجاورت برخی محلات و امکان دریافت خدمات از این محلات O۳: عدم امکان ورود مهاجرین به محله برای دریافت زمین O۴: استفاده از مصالح مناسب در بخش عمده‌ای از ساخت و سازهای محله O۵: قدمت بالای محله O۶: پایین بودن قیمت زمین در محدوده و امکان تجمیع و اعمال تغییرات در محدوده	T۲: موقعیت قرارگیری محله در حاشیه کمربندی شهر و امکان بروز تصادفات و ... برای ساکنین T۲: سطح پایین سواد ساکنین محله(بیش از ۷۰ درصد افراد کمتر از دیپلم هستند) T۳: وجود انواع مشاغل غیررسمی و کاذب در محله که زمینه‌های بروز جرم و ناامنی را فراهم نموده‌اند. T۴: بروز انواع تخلفات و بزهکاری‌های اجتماعی در سطح محله از قبیل دزدی و سرقت، نزاع و درگیری، مزاحمت‌های خیابانی و فروش و مصرف مواد مخدر T۵: حضور افراد غریبه و غالبا ناسالم و بزهکار در سطح محله T۶: آمار بالای جرائم در محلات مسکونی(۴۷ درصد از جرائم در محلات مسکونی اتفاق افتاده است) T۶: همبستگی اجتماعی و عملکردی ضعیف با جامعه شهری T۷: قیمت پایین اجاره مسکن و ... و امکان مهاجرت افراد به این محله

نتیجه گیری

حاشیه‌نشینی پدیده اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی مخربی است که شکاف خدماتی-رفاهی و اقتصادی بین شهر و روستا بر اثر تزریق پول نفت به شهرها بویژه از سال ۱۳۵۰ به بعد، به همراه اصلاحات ارضی نادرست و جنگ تحمیلی هشت ساله در بسیاری از شهرهای ایران از جمله شهر قم به‌وجود آورده است. امروزه شهرنشینی انحراف‌آمیز، بخش اصلی‌و هسته‌ای شهرها را ازمیان برده و زاغه‌ها، زور آبادها، حلبی آبادها و احداث مساکن غیربهداشتی و غیر قانونی را در محلات فقیرنشین موجب شده که از مهمترین شاخصه‌های آن می‌توان بـه مسـاکن غیرپایـدار، کفسـازی نامناسـب، سـاخت و سـازهای غیرمجـاز، نماسـازی نامناسب، کمبود امکانات بهداشتی درمانی، کمبود امکانات تفریحی و رفاهی، مشاغل کاذب و غیرپایدار و ... اشاره نمود.

رشد سریع جمعیت در نیم قرن اخیر، شهر قم را به شهری بزرگ تبدیل کرده و عملا شهرداری این شهر را از ارائه خدمات مورد نیاز شهرنشینی به همه جمعیت ساکن ناتوان ساخته است. از مهمترین پیامدهای چنین رشدی، پیدایش ۱۷ سکونتگاه غیررسمی، از جمله شادقلی خان است که در قسمت جنوب غربی قم واقع شده است. آنچه در این محله به عنوان یکی از مهمترین محلات حاشیه‌نشین این شهر مشاهده می‌شود، بیشتر افراد مهاجرانی با ریشه روستایی و غالباً فاقد مهارت و تخصص‌های لازم شهری هستند که منابع و ظرفیت‌های کار آمد انسانی را می‌بلعند و برای مسائل فرهنگی، مانند: فرهنگ شهرنشینی، مدنیت، آموزش، تحصیل و سواد اهمیت چندانی قائل نیستند. در این زمینه، نتیجه مقاله حاضر نشان می‌دهد که اکثر ساکنان محله مورد مطالعه را مهاجران روستایی از شمال غرب و ایل شاهسون تشکیل می‌دهند که تراکم بالای جمعیت، سرانه پایین مسکونی، تعداد اتاق‌های کم، متراژ پایین مساکن، ناپایداری مشاغل، درآمد پایین ساکنین، وجود انواع ناهنجاری‌ها و بزهکاریها در سطح محله، امنیت پایین محلات، کمبود شدید امکانات بهداشتی درمانی، کمبود مراکز تفریحی، کمبود امکانات آموزشی و سطح پایین سواد ساکنین از مهمترین ویژگی‌های عمومی این محله و ساکنان آن است.

شادقلی روستایی تاریخی در غرب شهر قم است که به علت رشد بی رویه ی مهاجرت روستایی به طرف غرب شهر قم و روستاهای اطراف به بافت اسکان غیررسمی شهر قم ملحق شد؛ بافت قومی و آداب و رسوم خاص (پس‌انداز زمین برای فرزندان ذکور در زمان ازدواج) و موقعیت جغرافیایی (در منتهی الیه غرب شهر قم) سبب مقاومت آن در برابر هجوم مهاجران شد. بالا بودن مهارت بنایی و ساخت تدریجی خانه‌ها برای فرزندان ذکور و عدم هجوم مهاجران، شاد قلی را عاری از زاغه‌نشینی کرده است.

این پژوهش جهت انجام مطالعات و برنامه ریزی جهت توانمندسازی محله مود مطالعه رویکرد استراتژیک را مورد استفاده قرار داده است که در آن تلاش می‌گردد تا با استفاده از مطالعات وضع موجود و تبیین عوامل داخلی و خارجی پیش روی محدوده به ارائه راهکارهای اساسی در جهت بهبود وضعیت محله و توانمندسازی آن ارائه شود. در نهایت با توجه به وضع موجود محله شادقلی خان و چالش‌های پیش روی آن که آورده شد نیاز است تا راهکارهای زیر در جهت توانمندسازی آن را در پیش گرفت:

- پهنه‌های وسیعی از زمین‌های مجاور محله شادقلی‌خان، مانند حد فاصل شادقلی‌خان با محلات امین‌آباد و شـیخ آباد، بایر و لم یزرع است که این مناطق بویژه در هنگام تاریکی، فضای امنی برای اعمال مجرمانه و اراذل و اوباش،معتادان و محیطی مخوف و خطرناک برای عابران و ساکنان به لحاظ تأمین امینت به‌وجود می‌آورد که رسیدگی هر چه سریعتر شهرداری و نهادهای مرتبط در زمینه تأمین روشنایی و امنیت چنین فضاهایی را گوشزد می‌کند.

- خدمات عمومی و رفاهی باید به‌میزان کافی در محله افزایش یابد و محله به لحاظ برخورداری از سرانه‌های تفریحی و سرگرمی‌های سالم در وضعیت مناسبی قرار گیرد که این عامل می‌تواند در افزایش سرزندگی و کاهش زمینه ارتکاب به جرم جوانان و نوجوانان نقش بسیار مؤثری داشته باشد.
- بررسی ها نشان می‌دهد که مسکن عامل عمده استقرار ساکنان در شادقلی است، زیرا مردم شاد قلی به تأمین زمین و ساخت تدریجی خانه برای فرزندان ذکور خود (از اوان کودکی و جوانی) توجه دارند. به علاوه بسیاری از مراحل ساخت خانه را نیز به علت آشنایی با بنایی خود انجام می‌دهند. اما شرایط اشتغال در محل اصلا مناسب نیست؛ بنابراین شادقلی در درجه نخست نیازمند برنامه ریزی برای ساماندهی اشتغال غیر رسمی است
- ارتقای شرایط فعالیت زنان، به خصوص نسل جوان ضروری است .ایجاد کارگاه‌های کوچک صنایع دستی و به کارگیری زنان در فعالیت‌های تولیدی از مهمترین راهکارها در این زمینه می‌باشد.
- ایجاد کلاس‌های آموزشی در رابطه با گسترش مهارت‌های مناسب فعالیت‌های شهری مهم به نظر می‌رسد. این کلاس‌ها را می‌توان به چند قسمت تقسیم کرد: کلاس‌های آموزش مهارت‌های وابسته به ساختمان، مانند برق کاری ساختمان، درب و پنجره سازی، لوله کشی و فعالیت‌های مشابه
- ایجاد خانه فرهنگ نیز برای آموزش مهارت‌های مربوط به فعالیت‌های مناسب مثلا کامپیوتر برای نسل جوان ضروری است. با تشکیل شورایاری محلات و گسترش کلاس‌های آموزشی نیز می‌توان به این مهم جامه عمل پوشاند
- دادن وام های کم بهره یا قرض الحسنه بعد از ایجاد کلاسهای آموزشی، برای ایجاد اشتغال
- فرهنگ سازی و تقویت زمینه‌های فرهنگی ساکنان محله از طریق جلوگیری از ترک تحصیل افراد با عنایت به این واقعیت مهم که فرهنگ زیربنای هرگونه تغییر و تحول و توسعه محسوب می‌شود .البته این عامل میسر نخواهد شد ، مگر با توجه به امر بسیار مهم ایجاد اشتغال و تأمین نسبی اقتصادی افراد و خانواده‌های مورد مطالعه.
- افزایش نظارت نیروهای انتظامی و امنیتی در محل به منظور ارتقاء و بهبود شرایط امنیتی محل؛ با عنایت به این موضوع که احساس ناامنی در محل از بزرگترین معضلات و دغدغه‌های موجود ساکنان محله شادقلی خان است.
- تشکیل تیم مشاوره‌ای در شهرداری‌ها به منظور ارائه خدمات مشاوره شغلی، فنی، بهزیستی- سلامت و اجتماعی به مهاجران محله برای بهبود ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در کاهش زمینه‌های ارتکاب به جرم این محلات مؤثر خواهد بود.
- ایجاد فضاهای تفریحی و رفاهی در سطح محله از جمله ایجاد پارک محله‌ای و زمین‌های بازی کودکان یکی از موضوعات مهم در بهبود وضعیت محله شادقلی خان می‌باشد.
- ایجاد مراکز بهداشتی درمانی در سطح محله‌ای از جمله نیازهای اساسی این محله می‌باشد که نیاز است تا با انجام مطالعات دقیق اقدام به مکانیابی و ایجاد آن نمود.
- گسترش تأمین اجتماعی و بیمه، که توجه به موارد بیمه شاغلان، گسترش بیمه بیکاری، بیمه زنان سرپرست خانوار، بیمه سالمندان، بیمه زنان خانه دار و گسترش امکان بازنشستگی از مهمترین آنهاست.

فهرست منابع

۱. استعلاجی علیرضا، نعمت حسین زاده.۱۳۹۵. راهبردهای مدیریت بحران در سکونتگاه های غیر رسمی اسلامشهر با تاکید بر توانمندسازی، فصلنامه جغرافیایی برنامه ریزی منطقه‌ای، دوره ۲۵، شماره ۱(پیاپی ۲۵)، صص ۱۰۱-۸۵.

۲. اسدی محل چالی مسعود.۱۳۹۳.تبیین اصول و روش‌های توانمندسازی مردم در اجتماعی های محلی در راستای ارتقاء حکمروایی خوب شهری، همایش ملی شهرسازی فرهنگ گرا، اصفهان، دانشگاه شیخ بهایی.

۳. حسینی خواه حسین، مسعود تقوایی، جبار علیزاده اصل.۱۳۹۴. استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توانمند سازی محلات شهری مطالعه موردی: محله اکبرآباد یزد ، مجله آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۱۴۸-۱۲۹.

۴. داداش پور هاشم، بهرام علیزاده.۱۳۹۰.اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین تهران، انتشارات آذرخش.

۵. ربانی رسول، حسین وارثی.۱۳۸۸. تحلیلی بر عامل اصلی شکلگیری مناطق حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان، نمونه موردی منطقه از زنان و دراک،جغرافیا و توسعه شماره ۱۳، صص ۷۸-۶۳.

۶. شریفی نیا زهرا. ۱۳۹۱. حاشیه نشینی و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن در شهرها مطالعه موردی:محله غلام تپه شهرستان آزاد شهر، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد، دانشگاه مشهد.

۷. فتح زاده حیدر، سیدسعید زاهد زاهدانی.۱۳۹۴. برنامه‌ریزی راهبردی، به‌منظور توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین (محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره سی تبریز)، دوره ۴، شماره ۶، صص ۸۸-۶۱.

۸. مشیری فرخ، مظفر صرافی، محجوبه دهبان. ۱۳۹۲.جایگاه سرمایه اجتماعی در توانمندسازی و ساماندهی اجتماعات ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران، انجمن محیط زیست کومش، دانشگاه صنعت هوایی.

9. Davis, Gregory A. 2010. Special Improvement District: A Tool for Targeting Investment, Visit Ohio State University Extension’s web site “Ohioline .
10. Khanh, Ho. & Le, Phi (2011). The Role of Social Capital to Access Rural Credit: A case s tudy at Dinh Cu and Van Quat Dong village in coas tal of Thua Thien Hue province- Vietnam. Journal of Development Economics, 81(1), 213–235.
11. Martinez , J.; Gora Mboup, Richard Sliuzasa and Alfred Steina. (2008), Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990–2003.Habitat International, Vol 32, 86-108.
12. -Morgan, W. (2011). Non-governmental organizations in Bangladesh social capital development and community empowerment. Community Development Journal, Vol.33, No.1,pp. 369-385.
13. Wong, Tai-Chee Belinda Y. 2011. Eco-city Planning Policies, Practice and Design, Springer Dordrecht Heidelberg London New York.